

بررسی رابطه نواحی جغرافیایی و تنوع گویش گیلکی در استان گیلان (مطالعه موردی شهرهای رشت و صومعه سرا)

مرجان حیدرپور میمه* - عضو هیأت علمی گروه زبان انگلیسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
هنگامه واعظی - عضو هیأت علمی، گروه زبان انگلیسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
فریدون آزاد غلامی خسمخی - دانش‌آموخته دکتری جغرافیا، گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۳

چکیده

هر ناحیه جغرافیایی، علاوه بر تفاوت‌های فرهنگی، آب و هوایی، شیوه‌های زندگی و مسایل زیست محیطی، در گویش و زبان محلی خود نیز متنوع است. اهالی شهرهای رشت و صومعه سرا در مرکز و غرب استان، گویش و گونه محلی خود را به کار می‌برند که به لحاظ ویژگی‌های زبان‌شناختی متفاوت است. مقاله حاضر با هدف بررسی ارتباط بین نواحی جغرافیایی و تنوعات گویش گیلکی در شهرهای رشت و صومعه سرا انجام گرفته است. در این پژوهش تلاش گردید تا نشان داده شود در نواحی مختلف جغرافیایی، تفاوت‌های گویشی وجود دارد. به این منظور داده‌های رایج گیلکی از گویشوران گیلک زبان و صحبت‌هایشان در دو شهر فوق جمع‌آوری گردید. بررسی داده‌ها در این پژوهش نشان داد که گویش‌های گیلکی نواحی مختلف جغرافیایی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. نتایج حاکی از آن است که در نواحی مختلف جغرافیایی، تنوعات گویشی به لحاظ آوایی، دستوری و نحوی مشاهده می‌شود. لذا از این مطالعه این نتیجه حاصل شد که ناحیه جغرافیایی به عنوان یکی از متغیرهای غیر زبانی سبب گوناگونی گویشی می‌شود اما زبان فارسی در مقام زبان معیار و زبان غالب در جامعه بر تنوعات گویشی و بخصوص گیلکی تأثیر بسزایی دارد.

واژگان کلیدی: نواحی جغرافیایی، گویش، گیلکی، شهر، رشت، صومعه‌سرا، استان گیلان

مقدمه

ناحیه یک محدوده‌ی جغرافیایی است که در آن میان خصوصیات طبیعی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی تجانس یا هماهنگی و وحدت نسبی دارند (Drew, 1995: 54). نواحی جغرافیایی، یا به عبارتی جغرافیای ناحیه‌ای و فیزیکی که بر وجود مشخصه‌های زمین و مناطق مختلف با ویژگی‌های محیطی خاص دلالت می‌کند؛ یکی از مهم‌ترین و مشخص‌ترین عواملی است که بر گوناگونی و تفاوت‌های زبانی تأثیرگذار است. گویندگان یک زبان با توجه به نواحی جغرافیایی که در آن به دنیا آمده‌اند، زندگی می‌کنند و زبان را با افرادی که در یک نواحی جغرافیایی دیگری زندگی می‌کنند، متفاوت به کار می‌برند.

علم زبان‌شناسی، زبان را با روش‌های علمی و نظریه‌های بنیادی مورد مطالعه قرار می‌دهد. زبان یکی از توانایی‌های شگفت‌انگیز انسان است که وی را از حیوان متمایز می‌کند. انسان از طریق زبان با هم‌گروهی‌های خود در جامعه ارتباط برقرار می‌کند و تبادل اطلاعات انجام می‌دهد. پس زبان علاوه بر نقش تبادل اطلاعات، نقش تعامل اجتماعی را نیز بر عهده دارد. بررسی چنین پدیده‌ی با عظمتی، دستاوردهای علمی بسیاری داشته است که باعث ارتباط با حوزه‌های علمی دیگر شده است. زبان‌شناسی با علوم فلسفه، روان‌شناسی، عصب-شناسی، ادبیات، حقوق، جغرافیا، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، آموزش و مردم‌شناسی در ارتباط است. در بررسی‌های میان زبان و جامعه، رابطه‌ی میان طبقات گوناگون جامعه، تفاوت‌های جغرافیایی، تمایزات جنسیتی و طبقاتی، گوناگونی زبانی و به طور کلی، مباحث متنوعی مربوط به محیط زندگی انسان مطرح می‌شود. دقت در لهجه و گویش فرد کاملاً نشان می‌دهد که ما اهل کجا هستیم و با چه زبانی صحبت می‌کنیم.

در بررسی جامعه‌شناختی زبان، به عواملی چون مسافت، موانع طبیعی و شرایط جغرافیایی چون کوه و منطقه جغرافیایی اشاره می‌شود؛ زیرا چنین عواملی توأم با عوامل اجتماعی دیگر مانند تحصیلات، خانواده، جنسیت، سن و شغل در زبان افراد بسیار مؤثر هستند. پژوهش حاضر با تأکید بر عامل رابطه بین نواحی جغرافیایی و تنوع گویش گیلکی به بحث در زبان در باب گوناگونی زبانی یا تنوع گویشی می‌پردازد. در جامعه‌شناسی زبان یا زبان‌شناسی اجتماعی، محققان بر این باورند که مشخصات جغرافیایی مانند مسافت، موانع و فواصل در پیدایش گویش‌های منطقه‌ای بسیار اهمیت دارند.

اساساً هر زبانی که در سطح وسیع مورد استفاده قرار گیرد، دارای تنوع گویشی فراوان است. نواحی روستایی در مقایسه با نواحی شهری تمایل بیشتری به حفظ ویژگی‌های گویش‌های محلی خود دارند. گویش‌های سنتی همچون پلی ارتباطی با پیشینه‌ی آن جامعه ارزش بسیاری دارند (Hyderpur, 2010: 1).

زبان و گویش ایرانی را می‌توان به دو گروه اصلی غربی و شرقی بر اساس قرابت‌های جغرافیایی و ساختاری تقسیم کرد. گروه غربی به دو گروه شمال غربی و جنوب غربی تقسیم می‌شود که گویش گیلکی از جمله زبان‌های ایرانی شمال غربی محسوب می‌گردد. لذا در بررسی چنین تفاوت‌هایی یا گوناگونی‌هایی، معیارهای زبانی و غیرزبانی مسایل فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی، جنسیتی و مانند اینها در یک ناحیه جغرافیایی مورد توجه هستند. بنابراین در پژوهش حاضر رابطه نواحی جغرافیایی و تنوع گویش گیلکی در شهرهای رشت و صومعه‌سرا مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و نقش عوامل جغرافیایی و محیطی را در تنوع گویش گیلکی مورد تحلیل قرار می‌دهد.

زبان در عصر ما مناسب‌ترین شاخص در تعیین یک فرهنگ به شمار می‌آید. مفهوم زبان با همه نیرو و بار عاطفی خود فاقد روشنی و صراحت لازم است. از این حیث می‌باید میان زبان^۱، لهجه^۲ و گویش^۳ قایل به تمایز شد. گویش عبارت از شیوه‌ای محلی در بیان مقصود است. زبان مجموعه‌ای از گویش‌هاست که میان آنها نوعی تفاهم متقابل برقرار شده است. لهجه قلمرو واسط میان گویش و زبان را پرمی‌کند (Badrifar, 2013: 52).

در بررسی‌های زبانی مبتنی بر جامعه، گوناگونی زبانی مطرح است. زبان پدیده‌ای یک دست نیست. عوامل متعددی را زبان‌شناسان اجتماعی معرفی کرده‌اند که عبارتند از متغیرهای زبانی و غیر زبانی (Modaresi, 2014: 14). متغیرهای غیرزبانی عبارتند از: نواحی جغرافیایی، سن، قومیت، جنسیت، شغل، طبقه اجتماعی، خانواده و مسایل فرهنگی جامعه همگی سبب ایجاد گونه‌های متفاوت زبانی می‌شوند. تنوعات زبانی در همه زبان‌ها مشاهده می‌شود. در بررسی‌های زبان‌شناسی اجتماعی اعتقاد بر این است که

¹Language

²Accent

³Dialect

تغییرات زبانی به نواحی جغرافیایی که نزدیک‌تر است، زودتر سرایت می‌کند. این نظریه را موج نامیده اند (Modaresi, 2014: 145)

دیرمقدم (۱۳۸۷) بر این باور است که مفاهیم زبان، گویش، لهجه و گونه از مفاهیم اساسی و پر کاربرد در زبان‌شناسی هستند و نخستین پرسشی که پژوهشگر با آن روبرو می‌شود تعریف این مفاهیم است. تعریف اصطلاحاتی مانند زبان و گویش کاملاً روشن نیست و چنین تعابیری تا حدی ابهام دارند (Wardhaugh, 2006). کوک^۱ (۲۰۰۳) معتقد است که گویش‌ها منطقه‌ای هستند. گویش‌ها از زبان معیار هم به لحاظ تلفظی، دستوری و واژگانی متفاوتند. پس چنین اصطلاحاتی به جامعه ارتباط دارند و گروه‌های متفاوتی که در مناطق گوناگون جغرافیایی با فرهنگ‌های متنوع زندگی می‌کنند گویش، لهجه و گونه‌های متفاوتی را به کار می‌برند (Fromkin, 2014).

تحقیق درباره‌ی گویش‌ها و لهجه‌های شمال ایران به‌ویژه گیلکی، نخستین بار از سوی پژوهشگران اروپایی آغاز شد و زبان‌شناسان کشورهای اروپا قبل از دانشمندان، به تحقیق و بررسی گویش‌های ایرانی از جمله گیلکی پرداختند. پژوهشگران روسیه تزاری در این زمینه مقدم بر سایرین بودند و برزین اولین محقق بود که دستور گیلکی و کلیه نکات مربوط به زبان‌های حوزه‌های جنوبی دریای خزر را مدون و برای آن دستور نوشت (Pourhadi, 2006: 14). پورهادی (۱۳۸۵: ۱۵) معتقد است مردم گیلان به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند که عبارتند از: گیلکی شامل گیلکی رشت، گیلکی مرکز و غرب گیلان، گیلکی شرق گیلان با مرکزیت لاهیجان، گالشی، گیلکی رودبار، تالشی، تاتی، کردی کرمانجی و لری لکی. گویش گیلکی رشت از زبان فارسی تأثیر زیادی پذیرفته است؛ به طوری که امروز یک فرد غیرگیلانی با کمی دقت می‌تواند گفتگوی گیلکی را کم و بیش دریابد. گیلکی در بسیاری از زمینه‌ها با زبان فارسی میانه شباهت دارد. به هر روی، بسیاری از محققان ایرانی و غیرایرانی گویش‌های متفاوت را از جنبه‌های متنوع مورد بررسی قرار داده‌اند؛ که هر یک از آن‌ها دستاورد ارزشمندی داشته است. عبدلی (۱۳۸۰) در پژوهش خود ابعاد مختلفی از حیات اجتماعی، فرهنگی قوم تالش شامل: مذهب، زبان، آداب و رسوم و برخی خصوصیات تاریخی آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. بعلاوه وی برای توصیف قلمرو جغرافیایی و وضعیت اقتصادی تالشی‌ها، کوشش نموده است. اهالی تاتی زبان دره شاهرود نیز که خود را تات می‌نامند، بر اساس موازین مردم‌شناسی، بخشی از قوم تالش به شمار می‌آیند. راستارگیویا و دیگران^۲ (۲۰۱۲) در پژوهش‌های ارزنده‌ی خود زبان گیلکی را از جنبه تاریخی، آوایی، دستوری مورد توجه قرار داده‌اند. در این مطالعه زبان گیلکی رشت بیشتر از مناطق دیگر مورد توجه بوده است. در بیشتر موارد نمونه‌ها از گیلکی رایج در رشت است و توجهی به گونه‌های لاهیجانی و دیگر شهرستان‌ها نشده است. الیاسی (۱۳۸۶) در پژوهش اطلس زبانی منطقه حد فاصل شهر تربت جام و شهر مشهد (برپایه اطلس زبانی انگلستان) به این نتیجه رسیده است که گویش‌های فارسی رایج در شمال خراسان (مشهدی و قوچانی) دارد. با استفاده از این شیوه چگونگی گونه‌های زبانی از دوره‌ی فارسی میانه به نمایش گذاشته شده است. این ذخایر به غنای صورت‌های زبانی موجود و تنوع بخشیدن به آن‌ها کمک می‌کند. لازم به ذکر است که می‌توان با وارد کردن بسیاری از واژه‌های گویشی در زبان فارسی رسمی، برخی خلاءهای واژگانی را پر کرد چرا که این واژگان در بسیاری از موارد در مقایسه با صورت‌های زبانی موجود مربوط به یک طیف معنایی خاص، بار معنایی دقیق‌تری را در خود دارند. علاوه بر آن از این یافته‌ها می‌توان به شیوه‌ی تحول سطوح مختلف زبان فارسی پی برد. رضایتی کیشه‌خاله و سبزه‌علیپور (۱۳۸۷) معتقدند که ریشه و ماده افعال از مهم‌ترین و اساسی‌ترین قسمت‌های هر زبان است. ریشه جزء بنیادی واژه است که میان لغت‌های تشکیل‌دهنده یک خانواده لغوی مشترک است و معنای اصلی آن لغت‌ها را در بردارد و ماده از افزودن جزئی به ریشه ساخته می‌شود. با استخراج ریشه‌ها می‌توان بسیاری از مبهمات زبان‌های ایرانی را در حوزه معنایی و دستوری گشود. ماده‌های فعلی، اساس ساخت فعل‌ها را در گویش‌های مختلف تشکیل می‌دهند و غالباً از تعدادی ریشه محدود مشتق شده‌اند. گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی از گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی اند که درحاشیه دریای خزر رایج اند. در این گویش‌ها بسیاری از عناصر زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه حفظ شده است. قلی فامیان و بصیرت (۱۳۹۳) به بررسی فرآیندهای آوایی گویش گیلکی بر مبنای اطلس زبانی پرداخته و پس از جمع‌آوری داده از گویشوران گیلکی، ۱۸ نوع فرآیند آوایی را بازشناختند. از نظر آنها میان تنوعات آوایی و متغیر جغرافیایی همبستگی وجود دارد. به علاوه مشخص شد که در شهرستان‌های غیرمرکزی استان و در رأس آن رودسر در مجاورت استان

^۱ Cook, G.

^۲Rastorgueva, et. al

مازندران بسامد فرآیندهای آوایی بیشتر از شهرستان‌های مرکزی استان است. آهنگر و همکاران (۱۳۹۵) در توزیع جغرافیایی تنوعات واکه‌ای گویش سیستانی در دو بخش شهرکی- نارویی و میانکنگی، به این نتیجه رسیده‌اند که فرایندهای افزایشی، افتادگی، پیشین‌شدگی، پسین‌شدگی و ساده‌سازی واکه‌ای به طور بارزی در این دو بخش دیده می‌شود. همچنین، می‌توان به بقایای قابل توجه برخی از واکه‌های فارسی میانه و نیز برخی از ویژگی‌های آن دوره، همچون فرایند کشش واکه‌ای، اشاره کرد. بعلاوه، علی‌رغم شباهت‌های زبانی، به دلیل وجود پاره‌ای از تفاوت‌ها در گفتار گویشوران مورد مطالعه می‌توان در گویش سیستانی این دو بخش لهجه‌هایی را شناسایی کرد. بارزترین آن‌ها لهجهٔ بارانی، با تلفظ محلی /bârnî/، در بخش میانکنگی است که کاربرد تنوعات واکه‌ای در میان سخنگویان آن به زبان فارسی معیار نزدیک‌تر است. پورالخاص و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی ساخت فعل ماضی در گویش گیلکی شرق گیلان با تمرکز بر شهرستان‌های لاهیجان و سیاهکل پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیدند که ساختار فعلی در گیلکی شرق از لحاظ وجه و نمود با زبان فارسی تفاوت دارد. علاوه بر آن تفاوت‌های آوایی، واژگانی و ساختاری بسیاری میان این دو مشاهده نمودند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر درصدد آن است که در ابتدا دریابد که گونه‌های متفاوت گیلکی غربی و شرقی در مناطق جغرافیایی چه تفاوت‌ها و چه شباهت‌هایی را نشان می‌دهند. سپس به تأثیر زبان فارسی بر گونه‌های گیلکی بطور کلی می‌پردازد. شیوه کار تحلیلی- توصیفی همراه با مطالعات پیمایشی است. برای جمع‌آوری داده‌ها، از تعدادی از گویشورهای بومی گویش گیلکی ساکن شهرهای رشت و صومعه‌سرا، باسواد و بی‌سواد و حدود سنی ۳۵ تا ۶۵ سال بصورت تصادفی مصاحبه به‌عمل آمد. همچنین از منابعی مانند فرهنگ‌ها، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها در این زمینه بهره گرفته شده است. جهت ترسیم نقشه‌ها از نرم افزار Gis استفاده شده است. اهداف تحقیق نشان می‌دهد که نواحی جغرافیایی و مسافت در ایجاد گوناگونی زبانی تأثیر دارد. علاوه بر آن قیاس، داده‌ها با زبان فارسی نیز مقایسه و تطبیق داده می‌شود.

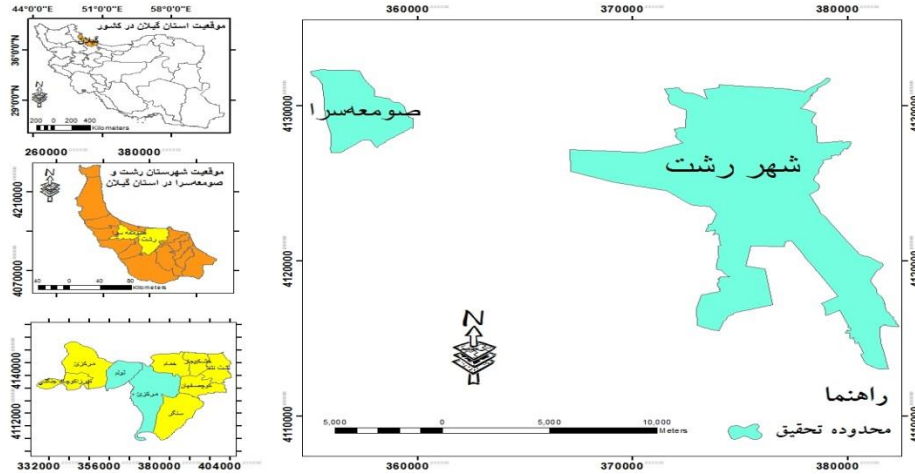
محدوده مورد مطالعه

شهر رشت با وسعتی معادل ۴۰۸۱۱۸ هکتار و موقعیت جغرافیایی ۴۹ درجه ۲۸ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و یک دقیقه عرض شمالی در شمال کشور واقع شده است. از نظر سیاسی این شهر در شهرستان رشت و به عنوان مرکز شهرستان بوده و از شمال به شهر خم، از شمال غرب به شهر انزلی، از غرب به شهرهای فومن و صومعه‌سرا، از جنوب به شهر سنگر، از جنوب غرب به شهر شفت، از شرق به شهر کوچصفهان و آستانه و از شمال شرق به شهرهای لشت‌نشاء و خشکیجار محدود می‌گردد (Statistical Yearbook of Guilan Province, 2016). طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور ۱۳۹۵ جمعیت شهر رشت به ۶۷۹۹۹۵ نفر رسیده است (Population Census of Rasht County, 2016). از نظر توپوگرافی شهر رشت از ارتفاع ۶۶ متر از جنوب شهر (محور لاگان) شروع و تا ارتفاع حدود ۲۰ متر زیر سطح آبهای آزاد، در شمال شهر (گلزار و جاده انزلی) ختم می‌شود. با این احتساب محدوده‌های جنوبی شهر منطبق بر نواحی مرتفع است که بر شیب عمومی در گیلان که از جهت جنوب به شمال است، منطبق می‌گردد (Geographical of the Armed Forces, 2014).

شهر صومعه‌سرا در مختصات جغرافیایی ۴۹ درجه ۱۸ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۸ دقیقه عرض شمالی در شمال کشور واقع شده است. از نظر سیاسی این شهر در شهرستان صومعه‌سرا و بعنوان مرکز شهرستان بوده و از شمال به تالاب انزلی، از شرق به رشت و شفت، از غرب به رضوانشهر و ماسال و از جنوب به فومن محدود می‌گردد (Statistical Yearbook of Guilan Province, 2016). بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهر ۴۷۰۸۳ نفر است (Census of the Housing Population of Somaye Sara City, 2016).

از نظر توپوگرافی شهر صومعه‌سرا از ارتفاع ۱۵ متر از جنوب شهر (خاکیان جاده صومعه‌سرا به نفوت) شروع و تا ارتفاع حدود ۳- متر زیر سطح آب‌های آزاد، در شمال شهر (بلوار شهدا و دانشکده کشاورزی) ختم می‌شود. مرکز شهر صومعه‌سرا ۸ متر ارتفاع داشته و با

این احتساب محدوده‌های جنوبی شهر منطبق بر نواحی مرتفع است. که بر شیب عمومی در گیلان که از جهت جنوب به شمال است، منطبق می‌گردد (Geographical of the Armed Forces, 2014).

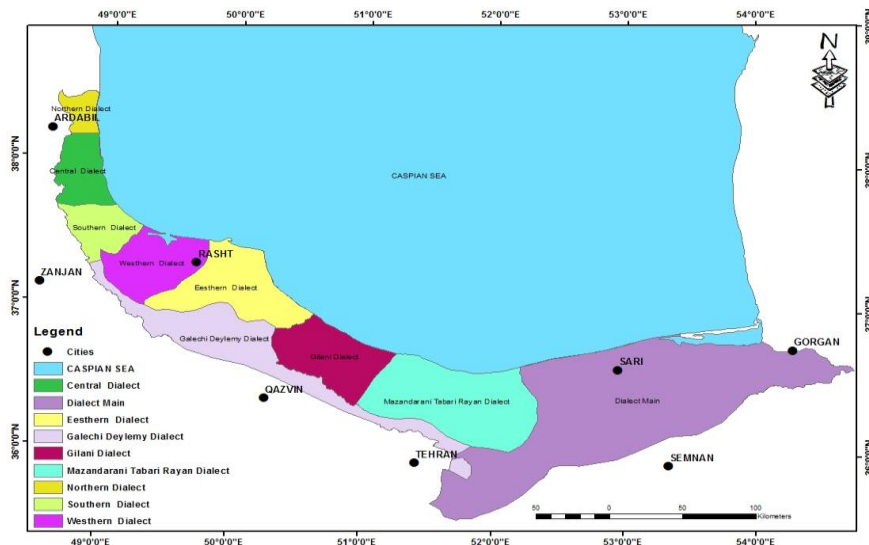


شکل ۱. موقعیت شهرهای رشت و صومعه‌سرا در شهرستان، استان و کشور

(منبع: سازمان جغرافیایی کشور، ۱۳۹۵)

یافته‌ها و بحث

زبان گیلکی از گروه زبانهای ایرانی شاخه شمال غربی است که زبان مادری اکثر مردم استان گیلان است. گیلکی در محدوده استان گیلان از شرق با گویشوران مازندرانی و از غرب با گویشوران تالشی و از جنوب با گویشوران تاتی همجوار است و در درون محدوده خود دارای گونه‌هایی است (Rüdiger, 2000). زبان گیلکی از گروه زبان‌های شمال غربی ایرانی و در مجموع زبان‌های حاشیه خزر است. زبان گیلکی، مشتمل بر سه لهجه بیه‌پسی (غرب گیلان)، بیه‌پیشی (شرق گیلان) و گالشی (مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی گیلان و غرب مازندران) می‌باشد. مردم شمال غربی گیلان، به زبانی دیگر از خانواده گویش‌های کناره دریای خزر که زبان تالشی باشد تکلم می‌کنند. گیلکی نزدیکی زیادی با زبان مازندرانی داشته و گویشوران این دو زبان تا حد نسبتاً زیادی می‌توانند سخنان هم دیگر را بفهمند. گیلکی تنها در ایران رواج دارد و شبکه استانی گیلان بخشی از برنامه‌های تلویزیونی خود را به این زبان اجرا می‌کند. گیلکی به عنوان زبان رسمی جلسات شورای شهرستان رشت تعیین شده است (Rostar Giva, 2012).



شکل ۲. مجموعه زبان‌های حاشیه دریای خزر

در این بخش داده‌های زبانی جمع آوری شده به لحاظ آوایی و مسایل جغرافیایی وابسته به آن در نواحی غربی و مرکزی استان گیلان (شهرهای رشت و صومعه‌سرا) مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۱- گوناگونی آوایی

در رشتی واکه /i/ در بعضی از واژه‌ها با واکه‌های /a/ یا /e/ در گویش‌های گیلکی غربی و مرکزی جایگزین می‌شود؛ جدول ۱ گوناگونی آوایی واکه /i/ را نشان می‌دهد.

جدول ۱. گوناگونی آوایی واکه /i/

انگلیسی	فارسی	گیلکی	گونه
Your book	کتاب تو	ti kitâb	رشتی
		te kitâb	ضیابر و گسکر(صومعه سرا)

/u/ در رشتی در همجواری با دیگر آواها به /ũ/ تبدیل می‌شود (جدول ۲).

جدول ۲. گوناگونی آوایی واکه /u/

انگلیسی	فارسی	گونه‌های دیگر	رشتی
smoke	دود	dũ	dud
muddy	گل الود	tũl	tul

آواها هنگام هم‌نشینی در زنجیره‌ی گفتار، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و دچار تغییر یا تحول می‌شوند. برخی از این گونه‌ی تغییرات و فرایندهای آوایی^۱ عبارتند از: همگونی^۲، همانندی واکه‌ای^۳، ابدال^۴، قلب^۵، حذف^۶، اضافه^۷. لذا می‌توان گفت فرایندهای آوایی نوعی تغییر ساختاری در مشخصه‌ها یا عناصر واجی زبان به حساب می‌آیند.

- همگونی همخوانی

در شکل گفتاری گویش گیلکی رشتی همانند زبان فارسی هرگاه همخوان لثوی /n/ قبل از همخوان دولبی /b/ یا /p/ واقع شود، آن همخوان به /m/ دولبی تبدیل می‌شود. در واقع از لحاظ جایگاه تولید به همخوان بعدی شباهت پیدا می‌کند و گویش‌ور با ساده‌سازی حرکات عضلانی راحت‌تر می‌تواند این‌گونه کلمات را ادا کند.
مانند:

گیلکی	فارسی
/zenbur/ → [zembur]	زنبور
/ʃənbə/ → [ʃəmbə]	شنبه

- همگونی واکه‌های

در این فرایند یک واکه تحت تأثیر واکه‌ی هم‌جوار خود قرار می‌گیرد و شبیه‌سازی رخ می‌دهد. به این معنا که در دو هجای مجاور، مشخصه‌های واکه‌ی یک هجا به مشخصه‌های واکه‌ی دیگر شباهت پیدا می‌کند. (در زبان گیلکی هفت مصوت

¹ Phonological processes

² Assimilation

³ Vowel Harmony

⁴ Change

⁵ Metathesis

⁶ Deletion

⁷ Epenthesis

ساده و تعداد قابل توجهی مصوت مرکب مانند /ow/ وجود دارد، مصوت /ə/ از پربسامدترین مصوت گیلکی است که در زبان فارسی وجود ندارد.) مانند:

گیلکی	فارسی
/bedo/ → [bodow]	بدو
/befur/ → [bʊfʊr]	شور

- حذف

در فرایند آوایی حذف، همخوان یا واکه‌ای از زنجیره‌ی گفتار حذف می‌شود. حذف ممکن است به دو صورت باشد: الف: حذف همخوان پایانی ب: حذف همخوان میانی
الف) حذف همخوان پایانی: در این فرایند یک واحد آوایی آخر کلمه حذف می‌شود. به عبارتی هرگاه در ترکیب آواها نوعی هم‌نشینی بین واحدهای زنجیره‌ی گفتار بوجود آید که خلاف نظام صوتی زبان باشد، یک واحد آوایی از آن حذف می‌شود (پورهادی، ۱۳۸۴: ۵۵).

گیلکی	فارسی
/dæst/ → [dəs]	دست
/dust/ → [dus]	دوست

ب) گاهی در کلمات مرکب همخوان میانی حذف می‌شود. مانند:

گیلکی	فارسی
/tʃændta/ → [tʃenta]	چند تا
/dæstmal/ → [desmal]	دستمال

- قلب

در زنجیره‌ی گفتار، گاهی دو همخوان کنار هم جایشان را با هم عوض می‌کنند. این فرایند را فرایند آوایی قلب می‌گویند که بیشتر در گفتار عامیانه یا توسط کودکان که تازه شروع به صحبت نموده‌اند به وقوع می‌پیوندد. مانند:

گیلکی	فارسی
/qofl/ → [qulf]	قفل
/aks/ → [ask]	عکس

- اضافه

در این فرایند آوایی، همخوان یا واکه‌ای به زنجیره‌ی واحدهای آوایی هم‌نشین اضافه می‌شود. هرگاه یک واج به آخر یک زنجیره‌ی گفتار اضافه گردد به آن اضافه‌ی پایانی گفته می‌شود و هرگاه یک واج در وسط یا شروع یک کلمه اضافه شود به آن اضافه میانی اطلاق می‌شود. مانند:

گیلکی	فارسی
/fen/ → [fənd]	فن
/sen/ → [sənd]	سن

گاهی نیز صامت بین دو مصوت مشدد می‌شود. مانند:

گیلکی	فارسی
/dula/ → [dulla]	دولا

هرچند که در مناطق متفاوت، گونه های متنوع گیلکی صحبت می شود اما تأثیر زبان فارسی در میان گویشوران نماینده ی قشر فرهیخته و تحصیل کرده ی رشت که هنگام بررسی زبان گیلکی گویشور ما بودند در تلفظ واژه ها بیشتر مشخص است. با توجه به گرایش به تلفظ فارسی در واژه هایی که با فارسی مشترک است مشخص می شود که این جایگزینی ها صورت می گیرد:

- جایگزینی آوای o به جای آوای u در واژه هایی که u کشیده ی تاریخی پیشینه ی آن است: təšəkkor «تشکر»، dorost «درست».
- جایگزینی آوای e به جای آوای i که i کوتاه تاریخی پیشینه ی آن است: ebtedā «ابتدا»، ertəjā «ارتجاع»، ettehād «اتحاد» و غیره.
- جایگزینی آوای ā به جای آوای a که ā پیشینه ی آن است: xulāse «خلاصه»، āftāb «آفتاب»، rāzi «راضی» و غیره.

این موضوع تا اندازه ای حتی در ضبط متون تأثیر داشته است، گرچه پس از تلفظ های مکرر خود گویشوران معمولاً این تلفظ را تصحیح می کردند. به طور کلی همان طور که پیش تر گفتیم آوای ā ظاهراً تحت تأثیر زبان فارسی به زبان گیلکی راه یافته است.

۲- نشانه جمع

در گویش گیلکی غربی (صومعه سرا) نشانه جمع به /ân/ ختم می شود و در گویش مرکزی (رشت) به /on/ (جدول ۳).

جدول ۳. نشانه جمع ۱

انگلیسی	فارسی	گویش شرقی	گویش غربی	
tree	درخت	dirâxt	dâr	مفرد
trees	درخت ها	dirâx.ton	dâr.ân	جمع

در گیلکی، نشانه جمع برای بستگان و حصار با افزودن پسوند /šân/ تولید می شود. چنین نشانه ای به نشانه سوم شخص جمع /ašân/ و /ušân/ شبیه است که معادل /Ina/ در زبان فارسی است. (جدول ۴)

جدول ۴. نشانه جمع ۲

انگلیسی	فارسی	گیلکی
Their mother	مادراينا	mârâšân

۳- حرف تعریف معرفه و نکره

معرفه در گیلکی با افزودن حرف تعریف معرفه ساخته می شود؛ در گیلکی (صومعه سرا) /a/ برای (این) و /u/ برای (آن) به کار می رود. در گیلکی رشتی /i/ برای (این) و /u/ برای (آن) استفاده می شود. (جدول ۵)

جدول ۵. حرف تعریف ۱

انگلیسی	گویش شرقی	گویش غربی	
this	/i/	/a/	حرف تعریف
that	/u/	/u/	

نشانه مفعولی /â/ در گویش صومعه سرا و /ə/ در گویش رشتی، معادل /ra/ در زبان فارسی هستند. (جدول ۶)

جدول ۶. حرف تعریف ۲

فارسی	گویش شرقی	گویش غربی
کتاب را	kitabâ	kitâbâ

با افزودن پسوند /i/ در پایان یک اسم در گیلکی، اسم نکره درست می‌شود. (جدول ۷)

جدول ۷. حرف تعریف ۳

انگلیسی	فارسی	گیلکی
A woman	زنی	zânâki

هنگامی که /itâ/ در گیلکی صومعه‌سرا، /yek ta/ در گیلکی رشت و /yâ/ در تالشی قبل از یک اسم قرار می‌گیرند، اسم نکره ساخته می‌شود. (جدول ۸)

جدول ۸. حرف تعریف ۴

انگلیسی	فارسی	تالشی	گیلکی شرقی	گیلکی غربی
A book	کتابی	yâ kitab	yâk ta kitab	itâ kitab

۴- ضمایر شخصی

جدول ۹. ضمایر شخصی در رشتی و گونه‌های غربی دیگر

انگلیسی	فارسی	گونه‌های غربی دیگر	رشتی
I	من	Mân	mân
you	تو	tu	tu
He/she/it	او	un	un
we	ما	am^	am^
you	شما	šumâ	šumâ
these	این‌ها	ašan	ašan
those	آن‌ها	ušan	ušan

۵- ضمایر ملکی

جدول ۱۰. ضمایر ملکی رشتی و گونه‌های غربی دیگر

انگلیسی	فارسی	گونه‌های غربی دیگر	رشتی
mine	مال من	mi	mâ
yours	مال تو	ti	tâ
His/her/its	مال او	Un â (i)	un
our	مال ما	ami	Amâ
yours	مال شما	šimi	šima
theirs	مال آنها	ušâni	ušanâ
theirs	مال این‌ها	ašanâ (i)	ašanâ

۶- حروف اضافه

/jâ/ در گویش صومعه‌سرا و /ji/ در گویش رشتی معادل /az/ در زبان فارسی است. هر دو مانند پسوند عمل می‌کنند. (جدول

جدول ۱۱. حروف اضافه ۱

فارسی	گیلکی (صومعه سرا)	گیلکی رشت
از راه	raji	râjâ

/e/ یا /re/ در گیلکی صومعه سرا و /be/ در گیلکی رشتی معادل /baraye/ در زبان فارسی هستند. (جدول ۱۲)

جدول ۱۲. حروف اضافه ۲

فارسی	گیلکی رشتی	گیلکی صومعه سرا
برای حسن	-	hasâne
برای من	mebe	mâre

/â/ در گونه غربی (صومعه سرا) و /ə/ در گیلکی رشتی معادل /be/ در زبان فارسی هستند و بعد از متمم خود قرار می‌گیرد. (جدول ۱۳)

جدول ۱۳. حروف اضافه ۳

انگلیسی	فارسی	گیلکی (صومعه سرا)
To Ali	به علی	aliyâ
To Hasan	به حسن	haâsnə

۷- حرف ربط

/u/ در گیلکی غربی (صومعه سرا) و /o/ در گونه رشتی معادل حرف ربط /v/ در زبان فارسی هستند.

انگلیسی	فارسی	گیلکی رشتی	گیلکی (صومعه سرا)
Ahmad and Hasan	احمد و حسن	amâd o hasən	
Me and my father	من و پدرم	mân u mi peir	

۸- جمله

گیلکی	/vâsti bâdânim ksyim, çisim, koyə bâmoyim/
فارسی	باید بدانیم که هستیم، چه هستیم، از کجا آمده ایم
انگلیسی	We should know who we are, what we are and where are we come from
گیلکی	/xâyliyânâ jəxtərə šo/
فارسی	از یاد خیلی‌ها رفته است
انگلیسی	It is forgotten by many

همانطور که تحلیل و توصیف داده‌ها نشان می‌دهد تنوع در گونه‌های زبانی به چشم می‌خورد. نوع تلفظ، چینش کلمات در جمله و ویژگی‌های دستوری نشان می‌دهند که تفاوت‌هایی میان منطقه‌های جغرافیایی گیلکی غربی و شرقی وجود دارد. از اینرو می‌توان منطقه جغرافیایی و قومیت را از عواملی دانست که سبب تنوعات گویشی می‌شود. اما از سوی دیگر توسعه زبان فارسی و افزایش گویشوران این زبان در تغییر اصالت این گوناگونی بی‌تأثیر نیست. در مباحث زبان‌شناسی مربوط به گیلکی مشاهده می‌شود که زبان فارسی سبب وام‌گیری و تغییرات در گیلکی است. واکه‌ی *â* که ظاهراً از زبان فارسی وام گرفته شده است، در تعداد کمی از واژه‌ها دیده می‌شود که با فارسی مشترکند و ریشه‌ی آن واکه‌ی تاریخی *ā* کشیده است: xâb «خواب» (Rostar Giva, 2012). شاید

به مرور زمان و با افزایش افراد تحصیل کرده در این استان، زبان معیار تغییرات دیگری را نیز شامل شود و دیگر منطقه جغرافیایی تنها و قویترین عامل تنوع در گیلکی نباشد. در تأیید چنین ادعایی در ادامه مقاله به شواهد پیشین ارجاع می‌کنیم.

۹- تأثیر زبان فارسی

تأثیر زبان فارسی در میان گویشوران نماینده‌ی قشر فرهیخته و تحصیل کرده‌ی رشت که هنگام بررسی زبان گیلکی گویشور ما بودند در تلفظ واژه‌ها بیشتر مشخص است. با توجه به گرایش به تلفظ فارسی در واژه‌هایی که با فارسی مشترک است مشخص می‌شود که این جایگزینی‌ها صورت می‌گیرد: - جایگزینی آوای *o* به جای آوای *u* در واژه‌هایی که *u* کشیده‌ی تاریخی پیشینه‌ی آن است: *təšəkkor* «تشکر». - جایگزینی آوای *e* به جای آوای *i* که *i* کوتاه‌ی تاریخی پیشینه‌ی آن است: *ebtedā* «ابتدا»، *ertəjā* «ارتجاع». - جایگزینی آوای *ā* به جای آوای *a* که *ā* پیشینه‌ی آن است: *xulāse* «خلاصه»، *āftāb* «آفتاب». به طور کلی، آوای *ā* ظاهراً تحت تأثیر زبان فارسی به زبان گیلکی راه یافته است (Rostar Giva, 2012). روی هم رفته با توجه به نظام همخوان‌ها همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، این همخوان‌ها با همخوان‌های زبان فارسی چندان تفاوتی ندارند (Rostar Giva, 2012: 32). در زبان گیلکی واژه‌های بسیاری وجود دارند که دقیقاً همانند واژه‌های فارسی هستند. برخی از آنها احتمالاً از فارسی وام گرفته شده‌اند، مثلاً: صورت‌های وصفی همانند *dəridə* به معنی «گستاخ، بی‌شرم». در زبان گیلکی این صورت‌های وصفی بازنمایی مستقلی از صیغه‌های اصلی‌شان هستند که در هر صورت ارتباطی بین آنها وجود دارد. گستره‌ی معانی این صورت‌ها محدودتر از معادل آنها در زبان فارسی است. مقایسه کنید گیلکی *dəridə* «دریده، گستاخ» و فارسی *dāride* (۱) «پاره، تکه‌پاره، شکسته»؛ (۲) «دریده، گستاخ، بی‌حیا». حتی بعضی از واژه‌ها در گفتار گیلکی تحت تأثیر زبان فارسی به صورت فارسی تلفظ می‌شوند. از این رو مثلاً دشوار بتوان گفت که در خصوص واژه‌ی *poxtəpəz* «پخت و پز، آشپزی» در گیلکی کدام درست است؛ آیا از فارسی وام گرفته شده یا واژه‌ای گیلکی بوده و فقط همانند فارسی تلفظ می‌شود. همسو با فعل *pəxtən* «پختن، آماده کردن غذا»، انتظار می‌رود صورت گیلکی *pəxtəpəz* داشته باشیم (Rostar Giva, 2012: 32).

نتیجه‌گیری

شهر رشت از جمله شهرهایی است که در سالهای اخیر با افزایش جمعیت مهاجر روبرو بوده و این مهاجرت روستاییان و افراد سایر استانها خود باعث گونه‌گونی زبان و گویش‌های متفاوت به این شهر گشته است. در این میان شهر صومعه‌سرا نیز بی‌تأثیر نبوده و با توسعه این شهر در ده سال اخیر و ورود برخی مهاجرین به این شهر از نظر تنوع زبانی و گویش‌های محلی متنوع شده است. بررسی داده‌های زبانی نشان می‌دهد که تنوعات گویشی و گوناگونی زبانی در نواحی مختلف جغرافیایی به چشم می‌خورد. گویش‌های شرقی و غربی که در نواحی متفاوت استان گیلان و بخصوص در شهرهای رشت و صومعه‌سرا تکلم می‌شوند، به لحاظ آوایی، واژگانی و دستوری تفاوت‌هایی دارند. ناحیه جغرافیایی (جامعه زبانی آن ناحیه) به عنوان یکی از متغیرهای غیر زبانی در این تنوعات بی‌تأثیر نیست؛ اما با گسترش زبان معیار و افزایش مهاجرت به مناطق مختلف به نظر می‌رسد که تفاوت‌ها به ویژه در حوزه‌ی آوایی و نوع تلفظ کم رنگ شده است و زبان فارسی بر گیلکی تأثیر داشته است.

منابع

- Abdoli, A., (2001). *Taleshi Adaptive Culture - Tati-Azari*, Tehran: Publishing Joint Stock Company.
- Ahangar, A.A., Yousefian, Pakzad Kodkhoda Hassanali. (2016). Geographical Distribution of Vistatic Variants of the Sistani Dialect in Two Sections - Naru and Miankangi Township, 1(1), 21-35.
- Badrifar, M., (2013). *Human Geography of Iran (Department of Geography)*, Payame Noor University Press.
- Cook, G. (2003). *Applied Linguistics*. Oxford: Oxford university press.

- Dabir Moghaddam, M., (2008). Language, Species, Dialect, and Native Practical Names. *Journal of Literature Research*. Ex.5. 91-128.
- Drew, M., (1995). *Human Geography*, Translated by Cirrus Sahami, Rizan Publications.
- Eliassi, M., (2007). *Linguistic Atlas of the Township of Torbat-e Jam and Mashhad (based on the English Linguistic Atlas)*, International Conference on Iranian Dialects of Desert, Semnan University, December 10th and 11th.
- Fromkin, A.; R, Rodman and N.Hyams(2014). An introduction to language, 10th edition. Wadsworth.
- Geographical Organization of the Armed Forces. (2014) *Topographic Map Scale 1: 50,000* Leaves of Rasht, Masal, Anzali.
- Gholi Famian, A.R., Basirat, V., (2014). Analysis of the Gilaki Dialect Phonetic Processes Based on the Linguistic Atlas. *Language Studies Quarterly*. 91-110.
- Hyderabad, C., (2010). *Investigating and Describing Common Phonetic processes in the Gilaki dialect of Rasht, Gilan Local Dialect and Dialect*. Rasht Azad University. 1-13.
- Iran Census Center, 2016, Housing Census of Rasht and Monastery.
- Iran Statistical Center (2016) Statistical Yearbook of Guilan Province, *Guilan Province Management and Planning Organization*.
- Modaresi, J., (2014). An Introduction to the Sociology of Language. *Institute for Humanities and Cultural Studies*, Tehran.
- Pourhadi, M., (2005). *Investigating the Characteristics and Structure of Gilaki the Gilaki dialect*. Rasht: Iliya Culture Publishing.
- Pourhadi, M., (2006). *Gilaki language*. Rasht: Iliya Culture Publishing.
- Hajatpour, H. (2004). *Talish Language, Khabar Dialect*, Rasht: Gilkan.
- Pour-Khasas, S., Rezaei, S., Foroughi-Rad, P., (1396). Investigating the construction of a verb in Gilaki dialect east of Gilan. *Iranian Journal of Local Literature and Languages*. 7, (4), 18.39-62.
- Rezaei Kijkhale, M., Sabz Alipour, J., (2008). A Study of the Root and Material of Verbs in Tati, Taleshi and Gilaki Dialects, *Tehran: Literature Study*, 6, 132-121.
- Rostar Giva. V., S and. et al. (2012). *The Gilaki Language*, Translated by M. Danay tous, Sabouri, and Vaezi, 2016). Iliya Publishing.
- Rüdiger, Sch. (2000). *Die iranischen Sprachen in Gegenwart und Geschichte*. Wiesbaden (Reichert).
- Wardhaugh, R. (2006). An introduction to sociolinguistics. *Victoria, Australia: Blackwell Publishing*.